

آسیب‌شناسی بزه تصرف عدوانی

با تأکید بر رویه قضایی*

□ محمدحسن حسینی^۱

چکیده

آسیب‌شناسی بزه تصرف عدوانی، نشان از وجود برخی چالش‌ها دارد. اختلاف نظر شدید در ابتناء این جرم بر عنصر مالکیت یا سبق تصرف بزه‌دیده، ابهام در تحقق عنصر تعلق به غیر داشتن مال با وجود مالکیت مشاعی مرتکب، تحقق یا عدم تحقق عنصر عدوان در رفتار مستند به قرارداد یا اجرای حق، کیفرگذاری نامتوازن و مبهم، و تردید در جریان مرور زمان کیفری، از آسیب‌های جدی این جرم هستند. هدف این پژوهش با گردآوری و مطالعه داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و آراء قضایی و به گونه توصیفی - تحلیلی، ارائه نظریه و راهکارهای اصلاحی سنجیده در راستای حمایت متوازن از حق مالکیت خصوصی و نظم عمومی است. اثبات تحقق این بزه با وجود هر یک از عناصر مالکیت یا سبق تصرف شاکی، قابلیت تعقیب کیفری تصرف عدوانی ملک مشاع توسط احد از شرکا، تحقق عنصر عدوان در تصرف مستند به قرارداد یا اجرای حق، ضرورت

پیش‌بینی مجازات‌های متنوع و متوازن، از مهم‌ترین یافته‌های این نوشتار هستند.
واژگان کلیدی: تصرف عدوانی، ممانعت از حق، مزاحمت در حق، جرائم
 علیه اموال.

مقدمه

تصرف عدوانی در لغت به معنای اخراج قهری مال از تصرف دیگری است. تصرف عدوانی در اصطلاح حقوقی، اخراج قهری مال غیر منقول از ید دیگری است. در نظام حقوقی ایران، تصرف عدوانی می‌تواند دارای جنبه حقوقی یا کیفری باشد. با نسخ ضمیمه قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۳۵۲^۱، تصرف عدوانی حقوقی موضوع مواد ۱۵۸ به بعد قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹^۲ و تصرف عدوانی کیفری موضوع ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵^۳ است. غیر منقول بودن مال و عدوانی بودن تصرف، از وجوه اشتراک دعاوی حقوقی و کیفری تصرف عدوانی است (خلیل‌نژاد، ۱۴۰۰: ۴۹). مع الوصف دعاوی تصرف عدوانی حقوقی، مشکل از سه رکن سابقه تصرف خواهان، الحاق تصرف خوانده، و عدوانی بودن آن است. در اقامه دعوی حقوقی تصرف عدوانی، اثبات مالکیت خواهان شرط نیست (نهرینی، ۱۴۰۰: ۲۲۰)؛ اما در اشتراط یا عدم اشتراط اثبات مالکیت شاکی در دعاوی کیفری تصرف عدوانی، ابهام است. منشأ این ابهام، فقدان تعریف صریح قانون‌گذار از این بزه و استعمال عبارت کشار «متعلق به» و قابلیت حمل آن بر معانی مختلف است. به علاوه، عبارت مزبور موجب تردید در تحقق عنصر تعلق به غیر داشتن مال موضوع این بزه با وجود مالکیت مشاعی متهم است؛ حال آنکه دعوی حقوقی تصرف عدوانی با وجود مالکیت مشاعی خوانده به تصریح ماده ۱۶۷ ق.آ.د.م. مسموع است. افزون بر آن، درباره عدوانی یا توأم با سوءنیت بودن رفتار مستند به قرارداد یا اجرای حق در رابطه با این جرائم، ابهام وجود دارد. کیفرگذاری

۱. در نسخ یا اعتبار قانون جلوگیری از تصرف عدوانی اختلاف نظر است و استدلال قائلان به نسخ، قانع‌کننده‌تر است (ر.ک: نهرینی، ۱۴۰۰: ۵۵۱).

۲. در این مقاله از حروف اختصاری ق.آ.د.م. برای اشاره به آن استفاده شده است.

۳. در این مقاله از عبارت اختصاری قانون تعزیرات برای اشاره به آن استفاده شده است.

نامتوازن، مبهم و تردید در جریان مرور زمان کیفری، از دیگر چالش‌های این جرائم است. این در حالی است که خصیصه حقوق کیفری ماهوی در تحدید حق و آزادی‌های شهروندان از یکسو و حفظ حقوق و آزادی شهروندان در برابر خودکامگی حاکمیت، مقتضی وضع قوانین شفاف و بدون ابهام، مطابق اصل کیفی بودن قانون است. سکوت قانون اساسی ایران در تضمین این اصل، راه را بر وضع قوانین کیفری مبهم باز کرده است (مؤذن‌زادگان و رهدارپور، ۱۳۹۷: ۱۹۳). عدم توجه به الزامات ناشی از اصل شفافیت قانون خصوصاً در عرصه قانون‌گذاری کیفری، نه تنها شهروندان را از تضمینات حقوقی لازم در مقابل وضع قانون مبهم محروم می‌سازد، موجب بی‌عدالتی ناشی از تفاسیر و آراء قضایی مختلف و گاه ناروا می‌شود. تفاسیر حقوقی متعارض و صدور آراء کیفری متشتت و متهاافت از مفاد ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات در بسیاری از محاکم تالی و تجدیدنظر و حتی شعب دیوان عالی کشور، نشان از تعارض این مقررده با اصل کیفیت‌مندی قانون کیفری و به تبع آن سیاست کیفری قضایی سرگردان دارد. آنچه این پژوهش را ضروری می‌نماید، آسیب‌شناسی تصرف عدوانی با استناد به آراء و چالش‌های قضایی و ارائه پاسخ سنجیده و معقول به مسائل کلیدی است که تا کنون پاسخ قاطع به آن داده نشده است. اهم این مسائل عبارت‌اند از: نخست: وقوع بزه تصرف عدوانی منوط به مالکیت شاکی است یا همچون دعوای حقوقی، منوط به سابقه تصرف شاکی است؟ دوم: تصرف ملک مشاع توسط احد از شرکا بدون اذن شرکای دیگر قابل تعقیب کیفری خواهد بود؟ سوم: تصرف ملک دیگری بر مبنای قرارداد موجود بین طرفین یا استیفاء حق، موجب زوال وصف عدوانی بودن رفتار مرتکب است؟ چهارم: کیفرگذاری یگانه تصرف عدوانی، همسو با اصل تناسب جرم و مجازات و اهداف مجازات‌ارزیابی می‌گردد؟ پنجم: کیفردهی رفتار مجرمانه مقدمه ارتکاب جرائم تصرف عدوانی، تابع قاعده تعدد مادی است یا تعدد معنوی؟ در نهایت، آیا مرور زمان کیفری در بزه تصرف عدوانی قابلیت جریان دارد؟

از جمله نوآوری‌های این مقاله، بررسی تحلیلی موضوعات صرفاً پرچالش در فرایند اجرای مقررات قانونی ناظر به جرم مورد تحقیق با استقراء در آراء مراجع کیفری است. فراوانی استناد به آراء دادگاه‌ها و اجتناب از طرح مباحث صرفاً نظری و تجزیه و تحلیل

داده‌ها با نگاه ویژه به رویکردهای قضایی در کلیه مباحث مطروحه، وجه تمایز این نوشتار از سایر آثار مرتبط است.^۱ با توجه به آنکه جرم‌انگاری صرفاً جنبه قانونی دارد، اما در چگونگی واکنش کیفری علاوه بر تدابیر قانونی، ملاحظات قضایی سهیم‌اند، این پژوهش در دو مبحث اصلی تحت عناوین آسیب‌شناسی عناصر جرم‌انگاری و آسیب‌شناسی نحوه کیفرگذاری سامان یافته است. فرجام تحلیل و ارزیابی آسیب‌ها و مسائل حقوقی و قضایی پیرامون آن، ارائه پاسخ یا راهکار سنجیده و اصلاحی است.

۱. آسیب‌شناسی عناصر جرم‌انگاری

جرم‌انگاری به لحاظ مداخله صریح حکومت در آزادی شهروندان، تابع اصولی همچون اصل شفافیت قانون و پرهیز از ایجاد قلمروهای تبعیض‌آمیز و معّد برداشت‌های گاه ناروا از قانون است. بی‌توجهی به این اصول، موجب برخی چالش‌ها در عناصر جرم‌انگاری تصرف عدوانی شده است. عنصر مالکیت یا سبق تصرف شاکی، عنصر مالکیت مفروز یا مشاعی، عنصر عدوان در رفتار مستند به قرارداد یا اجرای حق، از جمله چالش‌هایی هستند که به ترتیب بررسی می‌گردند.

۱-۱. عنصر مالکیت یا سبق تصرف شاکی

در اشتراط یا عدم اشتراط اثبات مالکیت شاکی در دعوای کیفری تصرف عدوانی، ابهام است. منشأ این ابهام، فقدان تعریف صریح قانون‌گذار از این بزه و استعمال عبارت کشدار «متعلق به» و قابلیت حمل آن بر معانی مختلف اعم از تعلق مالکانه یا تعلق مبتنی بر سبق تصرف است. در رویه قضایی نیز پیرامون اشتراط مالکیت یا سبق تصرف شاکی در شکل‌گیری این جرم، رویکرد واحدی اتخاذ نشده است. دامنه تهاقت آراء قضایی علاوه بر اصل مالکیت یا سبق تصرف، به گونه‌های آن نیز تسری یافته است.

۱-۱-۱. مالکیت شاکی

اغلب محاکم با لحاظ عبارت «متعلق به» در ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات، وقوع این

۱. در غیر مواردی که به مأخذ رأی قضایی تصریح شده است، مأخذ سایر آراء قضایی، وبگاه سامانه ملی آراء قضایی است: <<https://ara.jri.ac.ir>>.

جرم را منوط به مالکیت شاکی دانسته و صرف سبق تصرف را کافی نشناخته‌اند.^۱ برای نمونه در برخی آراء قضایی مقرر شده است:

«مفهوم کلمه "متعلق به" در ماده ۶۹۰، ناظر به مالکیت شاکی است نه سبق تصرف». ^۲ «احراز مالکیت شاکی از ارکان تحقق بزه تصرف عدوانی است». ^۳ «آنچه شاکی را محق طرح دعوی کیفری تصرف عدوانی می‌نماید، مالکیت شاکی نسبت به ملک مورد تنازع است». ^۴ «در تصرف عدوانی کیفری، وجود مالکیت شرط اصلی برای طرح شکایت می‌باشد». ^۵ «اساس رکن قانونی تحقق جرم تصرف عدوانی را مالکیت شاکی مقرر داشته است». ^۶ «ماده ۶۹۰ بر پایه احراز مالکیت استوار است». ^۷ «تحصیل مالکیت شاکیه بعد از سوابق تصرفاتی متهم بوده و از طرفی شاکیه اقدام به تقدیم دادخواست خلع ید مشاعی نموده که منتهی به صدور رأی قطعی گردیده و لکن صورت جلسه اجرای حکم ارائه نگردیده تا تصرفات بعدی متهم، عدوانی تلقی شود». ^۸ «در خصوص شکایت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام علیه السلام دایر بر تصرف عدوانی علیه متهمان با توجه به عدم مالکیت شاکی در پلاک ثبتی مزبور، رأی بر برائت متهمین صادر می‌نماید». ^۹ «در شکایت تصرف عدوانی، حق شکایت و ابراز آن، فرع بر مالکیت است». ^{۱۰} «(اعمال ماده ۶۹۰ منوط به اثبات مالکیت است)». ^{۱۱} «(اعمال ماده ۶۹۰ صرفاً منحصر و محدود به مواردی است که اختلاف در مالکیت مطرح نباشند)» ^{۱۲} (پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۲: ۸۰).

۱. رأی ۹۳/۵/۱۲ شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی ۹۳/۴/۴-۹۳۰۹۹۷۰۲۷۰۲۰۰۴۳۶ شعبه ۵۷ دادگاه تجدیدنظر تهران؛ رأی ۹۳/۳/۲۷-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۹۰۰۳۱۵ شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی شماره ۹۲/۹/۲۵-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۰۱۳۰۵ شعبه ۲۰ تجدیدنظر استان تهران.
۲. رأی ۹۲/۹/۲۵-۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۲۰۱۲۸۱ شعبه ۵۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۳. رأی ۹۳/۲/۲۹-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۲۲۷ شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۴. رأی ۹۲/۸/۱۸-۹۲۰۹۹۷۲۱۹۱۲۰۰۶۸۶ شعبه ۱۰۳۰ دادگاه عمومی جزایی تهران.
۵. رأی ۹۲/۸/۱۲-۹۲۰۱۳۴۹ شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی بخش قرچک.
۶. رأی ۹۱/۱۲/۱۵-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۱۱۵ شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور.
۷. رأی ۹۲/۵/۲۲-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۰۶۴۵ شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۸. رأی ۹۲/۶/۳۱-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۰۸۴۳ شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۹. رأی ۹۲/۹/۲۵-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۱۳۰۵ شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی جزایی شهر قدس.
۱۰. رأی ۹۲/۳/۲۶-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۴۰۰۳۴۹ شعبه ۳۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۱۱. رأی ۹۲/۱۱/۱۲-۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۷۰۱۲۱۶ شعبه ۶۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۱۲. رأی شعبه ۲۹ دیوان عالی.

اداره حقوقی دادگستری^۱ و برخی حقوق‌دانان با تأکید بر عنصر مالکیت شاکی در بزه تصرف عدوانی معتقدند که اتخاذ این رویکرد، مبتنی بر تفکیک دعای حقوقی و کیفری تصرف عدوانی است؛ چه آنکه شرط اقامه دعوی حقوقی صرفاً سبق تصرف و نه مالکیت شاکی است (حبیب‌زاده و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۰۸؛ واحدی، ۱۳۹۴: ۳۱۶/۱). اشاره به کلمه «تصرف» در ماده ۶۹۱ و کلمه «متعلق به» در ماده ۶۹۰، نشان از نیت مقنن در تفکیک این دو واژه و لزوم اثبات مالکیت در دعوی کیفری تصرف عدوانی است و اصل تفسیر مضیق، این دیدگاه را تقویت می‌کند (خلیل‌نژاد، ۱۴۰۰: ۲۰؛ مهاجری، ۱۳۹۷: ۱۷۱/۲). استعمال واژه «خلع ید» در تبصره ۲ ماده ۶۹۰ و مفاد رأی وحدت رویه ۶۷۲-۶۷۳/۱۰/۸۳ مبنی بر لزوم مالکیت خواهان در دعوی خلع ید، دلیل دیگری بر شناسایی مالکیت شاکی به عنوان یکی از ارکان بزه تصرف عدوانی قلمداد شده است (خدادادی، ۱۳۹۹: ۲۴۹). اداره حقوقی دادگستری^۲ همسو با این دیدگاه اعلام می‌نماید:

«با توجه به نحوه تنظیم و عبارات به کاررفته در ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات که به مالکیت شاکی توجه دارد، شکایت کیفری رفع تصرف عدوانی به استناد ماده ۶۹۰ از غیر مالک قابلیت استماع ندارد».

به عبارت دیگر، دادگاه تنها با توجه به دلایل مالکیت شاکی و بدون مجوز بودن تصرفات متهم، حکم مقتضی صادر می‌کند.

قائلان به عنصر مالکیت در بزه تصرف عدوانی، در نوع مالکیت رسمی یا عادی و مالکیت عین یا منافع، رویکرد واحد اتخاذ ننموده‌اند.

۱-۱-۱. مالکیت رسمی یا عادی

آراء قضایی پیرامون اشتراط مالکیت رسمی یا کفایت مالکیت عادی در وقوع بزه تصرف عدوانی، متشتت و منشأ اتخاذ دو رویکرد متضاد است:

رویکرد نخست: برخی محاکم تحقق این بزه را منوط به مالکیت رسمی شاکی شناخته‌اند؛ برای نمونه در برخی آراء قضایی مقرر شده است:

۱. نظریه ۴۷۷۷/۱۰-۷/۱۳۸۴.

۲. نظریه ۲۱۴۲/۱۱-۷/۱۳۸۷.

«شکایت کیفری تصرف عدوانی فقط از مالک که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال در دفتر املاک به ثبت رسیده یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده، پذیرفته می‌شود».^۱ «شکات دلیل و مدرک رسمی که مثبت مالکیت ایشان نسبت به قسمتی که مدعی مالکیت و سبق تصرف هستند، ارائه ننموده‌اند و اسناد عادی استنادی مطابق مواد ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت، قابلیت استناد در محکمه را ندارد».^۲

این دسته از محاکم به هنگام اختلاف در مالکیت بین طرفین فاقد سند رسمی معتقدند که موضوع، فاقد وصف کیفری است و تنها جنبه حقوقی دارد و از موارد صدور قرار اناطه نیست. برای نمونه در برخی آراء قضایی مقرر شده است:

«اختلاف طرفین بر سر موضوع اثبات مالکیت بر ملکی است که فاقد سند رسمی است؛ بنابراین هر یک از طرفین می‌توانند برای اثبات مالکیت خویش، دعوای حقوقی در دادگاه صالحه طرح نمایند».^۳ «با توجه به اختلاف طرفین در مالکیت ملک فاقد سند رسمی، مجرمیت متهم به نظر دادگاه احراز نمی‌گردد».^۴

رویکرد دوم: بنا به دیدگاه برخی محاکم، مالکیت شاکی اعم از رسمی یا عادی از عناصر تحقق این جرم است. برای نمونه در برخی آراء قضایی مقرر شده است:

«احراز مالکیت شاکی، خواه مالکیت رسمی یا غیر رسمی، از ارکان تحقق بزه تصرف عدوانی است».^۵

متهمان، مالک مشاعی پلاک ثبتی‌اند و جهت تخریب و نوسازی آن با سازنده قرارداد منعقد می‌نمایند. در هنگام تقسیم واحدهای ساخته‌شده و اختصاص آن به متهمان، اختلاف رخ می‌دهد و بر اساس سازش طرفین و رأی قطعی دادگاه مورخ ۹۰/۱/۳۰، آپارتمان موضوع شکایت در سهم اختصاصی متهمان قرار گرفته و سند مالکیت رسمی به نام آنان صادر می‌گردد. شاکی با ارائه مبایعه‌نامه عادی مورخ ۸۹/۳/۱۵، ثابت

۱. رأی ۹۲/۱۱/۷-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۵۰۱۵۲۲ شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۲. رأی ۹۳/۱۲/۱۰-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۹۰۱۷۱۹ شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۳. رأی ۹۲/۳/۲۱-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۴۰۰۲۷۷ شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۴. رأی ۹۲/۳/۶-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۲۰۰۲۲۲ شعبه ۴۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۵. رأی ۹۳/۲/۲۹-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۰۲۲۷ شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

می‌نماید که سازنده، آپارتمان موضوع شکایت را به شاکی فروخته و تحویل داده است و به علاوه دادگاه احراز می‌نماید که مطابق صورتجلسه مورخ ۸۵/۵/۳۰، آپارتمان واقع در طبقه چهارم به قید قرعه در مالکیت اختصاصی متهمان قرار گرفته است و متهمان نیز آن را امضا نموده‌اند. از سوی دیگر، متهمان در دادگاه اقرار نموده‌اند که چون سازنده به موقع آپارتمان طبقه چهارم را به آنان تحویل نداده، در عوض، آپارتمان طبقه دوم تحویل آنان شده است. در نهایت، دادگاه مقرر می‌دارد:

«با فرض صحت ادعای متهمین، هر گونه اقدام سازنده بعد از فروش آپارتمان موضوع شکایت به شاکی، تصرفات سازنده در ملک مزبور فاقد مشروعیت قانونی است و علی‌رغم انتقال رسمی آپارتمان موضوع شکایت به نام متهمین، با توجه به احراز سبق تصرفات شاکی در آپارتمان متنازع‌فیه و تصرفات لاحق متهم در آن، مجرمیت وی به اتهام تصرف عدوانی محرز است»^۱.

این دسته از محاکم با وقوع اختلاف در مالکیت بین طرفین فاقد سند مالکیت رسمی، قائل به صدور قرار اناطه هستند و این امر دلالت بر آن دارد که مالکیت عادی شاکی نیز برای تحقق این بزه کفایت می‌کند. برای نمونه برخی محاکم مقرر نموده‌اند: «شاکی و متهم، مدعی مالکیت هستند؛ لذا قرار اناطه صادر می‌گردد»^۲. «هر گاه بین شاکی و متهم در مورد مالکیت ملک متنازع‌فیه اختلاف نظر باشد و ادامه رسیدگی نیازمند اثبات مالکیت باشد، در این صورت دادگاه قرار اناطه صادر می‌نماید»^۳. «رسیدگی به ادعای مالکیت متهم جرم تصرف عدوانی، مستلزم صدور قرار اناطه است»^۴. «متهم تصرف عدوانی، مدعی مالکیت بوده و احراز سوءنیت مجرمانه بدون رسیدگی به ادعای مالکیت یا صدور قرار اناطه و تطبیق موضوع با ماده ۶۹۰

۱. رأی ۹۲/۱۲/۱-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۱۲۷۰ شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران. مفاد این رأی دلالت بر آن دارد که دارنده سند عادی هم می‌تواند علیه دارنده سند مالکیت رسمی به اتهام تصرف عدوانی، شکایت کیفری نماید و امکان محکومیت متهم در برخی اوضاع و احوال خاص و بدون نیاز به ابطال سند مالکیت رسمی متهم وجود دارد و این در حالی است که مطابق نظریه ۱۳۸۵/۱۱/۱۱-۷/۸۵۷۹ اداره حقوقی دادگستری، دارنده سند عادی نمی‌تواند علیه دارنده سند مالکیت رسمی به اتهام تصرف عدوانی شکایت کیفری کند.

۲. رأی ۹۲/۱۱/۱۲-۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۷۰۱۲۱۶ شعبه ۶۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۳. رأی ۹۱/۲/۳۰ شعبه ۱۰۳۷ دادگاه عمومی جزایی تهران.

۴. رأی ۹۳/۱/۱۸-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۰۰۰۳ شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

قانون تعزیرات، نوعی مجازات غیر متناسب تشخیص می‌شود.^۱

اداره حقوقی دادگستری^۲ و برخی حقوق‌دانان، مالکیت عادی را برای تحقق این جرائم کافی شمرده، معتقدند همان گونه که تحقق جرائم مشابه نظیر تخریب، منوط به مالکیت رسمی نیست، شرط تعقیب و مجازات بزه تصرف عدوانی نیز مالکیت رسمی شاکی نیست (همان: ۲۵۲). به علاوه، منوط کردن استماع شکایت تصرف عدوانی به دارا بودن سند مالکیت رسمی از سوی شاکی، عملاً شمار زیادی از شاکیان را از حمایت کیفری محروم می‌نماید (رضایی، ۱۳۹۸: ۸۸). اداره حقوقی دادگستری در حمایت از این رویکرد، این گونه اظهار نظر نموده است که چنانچه طرفین دعوی نسبت به غیر منقول با ارائه سند عادی ادعای مالکیت داشته باشند، رسیدگی به شکایت کیفری تصرف عدوانی، منوط به رسیدگی به اختلاف در مالکیت و صدور قرار اناطه است.^۳

در مقام داوری، اعتقاد بر آن است که افزون بر دفاع از حقوق مالکانه اشخاص، حمایت از نظم عمومی در قبال تصرفات خودسرانه افراد، مقتضی پذیرش رویکرد دوم است.

۲-۱-۱-۱. مالکیت اعیان یا منافع

در مواجهه با این چالش که تحقق بزه تصرف عدوانی الزاماً منوط به مالکیت اعیان است یا شامل مالکیت منافع نیز می‌شود، محاکم کیفری دو رویکرد متفاوت اتخاذ نموده‌اند:

رویکرد نخست: عنصر مالکیت در این جرم بنا به دیدگاه برخی محاکم، اعم از مالکیت اعیان یا منافع است و مدلول ضمنی برخی آراء قضایی، حکایت از آن دارد. برای نمونه در برخی آراء قضایی مقرر شده است:

«شاکی دلیلی بر تصرفات خویش اقامه نکرده؛ از جمله اجاره‌نامه‌ای که حکایت از

۱. رأی ۹۱۰۰۰۰۷۱۷/۹۱۰۹۹۷۰۹۱۰/۱۸-۹۱/۱۰/۹۱ شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور.

۲. نظریه ۸۴/۷/۱۰-۷/۴۷۸۶.

۳. نظریه ۸۴/۶/۱۳-۷/۳۹۰۷.

مالکیت منافع ملک مذکور داشته باشد».^۱ «ادعای وجود اجاره شفاهی، از موارد صدور قرار اناطه است».^۲

از مفاد رأی مزبور می‌توان این گونه استنتاج نمود که مالکیت منافع شاکی برای تحقق بزه تصرف عدوانی، کافی است؛ برای نمونه، تصرف ملک تجاری استیجاری توسط موجر با وجود حق کسب و پیشه مستأجر، مصداق بزه تصرف عدوانی است. مطابق نظریه اداره حقوقی، عبارت «متعلق به» در ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات منحصراً به مالکیت عین یا منفعت نیست و اذن به انتفاع نیز می‌تواند موضوع تعلق قرار گیرد.^۳ چنانچه حکم تخلیه به تاریخ مؤخر صادر گردیده و موجر قبل از صدور حکم تخلیه و قطعیت آن و صدور اجراییه و در تاریخ مقدم، مورد اجاره را بدون مجوز قانونی و به قهر و غلبه متصرف شود، واجد وصف جزایی تصرف عدوانی است (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۲: ۹۹).

رویکرد دوم: در مقابل، برخی محاکم مالکیت متهم بر منافع مال را مانع تحقق بزه تصرف عدوانی شناخته‌اند. برای نمونه دادگاه تجدید نظر استان تهران مقرر می‌دارد: وکیل تجدیدنظرخواه مدعی است که منافع مورد نظر به موکل واگذار شده و اسناد واگذاری آن موجود است و موکل متصرف عدوانی نبوده و مالک منافع می‌باشد. دادگاه با قبول تجدیدنظرخواهی و نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته، حکم به برائت تجدیدنظرخواه از اتهام تصرف عدوانی صادر می‌نماید.^۴ این رأی تلویحاً دلالت بر این دارد که چنانچه متهم، مالک منافع ملک مورد تصرف باشد، به رغم مالکیت اعیان و سبق تصرف شاکی،

۱. رأی ۹۲/۸/۱۸-۹۲۰۹۹۷۲۱۹۱۲۰۰۶۸۶ رأی شعبه ۱۰۳۰ دادگاه عمومی جزایی تهران.

۲. رأی ۹۳/۴/۱۵-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۹۰۰۳۸۷ رأی شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۳. نظریه ۱۴۶۶/۹۹/۱۰-۷/۱۰-۱۳۹۹/۱۰-۱۳۹۹ اداره حقوقی دادگستری: «با عنایت به ماده ۲۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ که حقوق متعلقه اشخاص نسبت به اموال را اعم از مالکیت عین یا منفعت و حق انتفاع و ارتفاق در ملک غیر دانسته است، عبارت «متعلق به» در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ شامل هر گونه حقی نسبت به مالکیت عین یا منفعت و همچنین اذن در انتفاع می‌شود. بنابراین هر شخص حقیقی یا حقوقی که نسبت به اموال موضوع ۶۹۰ قانون فوق‌الذکر دارای حقوق یادشده باشد، با توجه به ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حسب مورد در جرایم تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق، شاکی خصوصی محسوب می‌شود».

۴. رأی ۹۳/۷/۱-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۹۰۰۸۴۸ شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

بزه تصرف عدوانی قابل تحقق نیست.

در مقام داوری، اعتقاد بر آن است که حمایت از نظم عمومی افزون بر دفاع از حقوق مالک منافع در برابر اقدام و تصرف خودسرانه ملک توسط مالک اعیان، مقتضی پذیرش رویکرد نخست است. مطابق این رویکرد، مالکیت منافع نیز مجوز تصرف خودسرانه ملک تحت تصرف مالک اعیان نخواهد بود.

۲-۱-۱. سبق تصرف شاکی

برخی محاکم مالکیت شاکی را از عناصر این بزه ندانسته و بر احراز سبق تصرف شاکی در ملک متنازع‌فیه تأکید دارند.^۱ برای نمونه در برخی آراء قضایی مقرر شده است:

«احراز سبق تصرف شاکی، از ارکان مادی تحقق بزه تصرف عدوانی است.»^۲ «اقرار صریح متهم مبنی بر اینکه شاکی به عنوان طبابت، هفته‌ای چند ساعت به ملک می‌آمده، حکایت از سبق تصرف شاکی از ملک مورد نظر دارد و ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات، بزه تصرف عدوانی را فرع و یا مبتنی بر مالکیت شاکی نمی‌داند و برداشت دادگاه بدوی مبنی بر اینکه آنچه شاکی را محق به طرح دعوی کیفری تصرف عدوانی می‌نماید، مالکیت شاکی نسبت به ملک مورد تنازع است، مقرون به صحت نمی‌باشد.»^۳

«زمین مورد تصرف چنانچه تا زمان تصرف مشتکی عنه بلا تصرف بوده باشد، به لحاظ عدم احراز سبق تصرف شاکی، جرم تصرف عدوانی محسوب نمی‌شود.»^۴ «سبق تصرفات بدون مزاحمت شاکی و عدوانی بودن تصرفات لاحق متهم، شروط تحقق بزه تصرف عدوانی است.»^۵ «احراز سبق تصرف شاکی، از ارکان مادی تحقق بزه تصرف عدوانی است.»^۶ «شاکیه یکی از مالکین مشاعی زمین متنازع‌فیه می‌باشد، ولی به لحاظ نداشتن سبق تصرف، حکم بر براءت متهم صادر و شاکیه به جهت احقاق حق، به طرح دعوی حقوقی ارشاد می‌شود.»^۷ «دلیلی بر سبق تصرف شاکی در املاک متنازع‌فیه ارائه نشده است؛ لذا موضوع مطروحه فاقد وصف جزایی و حکم بر براءت

۱. رأی شعبه ۱۱۳/۳۰۲۷۰۹۹۷۰۲۹-۹۲/۸/۹۲ شعبه ۵۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۲. رأی شعبه ۱۴۶/۲۲۴۲۰۰۱۴۶-۹۳/۲/۱۳-۹۳-۹۹۷۰۲۲۴۲۰۰۱۴۶ شعبه ۴۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۳. رأی شعبه ۱۴۷۷/۲۲۲۷۰۱۴۷۷-۹۲/۱۰/۳۰-۹۲-۹۹۷۰۲۲۲۷۰۱۴۷۷ شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۴. رأی شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی پیشوا.

۵. رأی شعبه ۳۱۵/۲۲۰۹۰۳۱۵-۹۳/۳/۲۷-۹۳-۹۹۷۰۲۲۰۹۰۳۱۵ شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۶. رأی شعبه ۱۴۶/۲۲۴۲۰۰۱۴۶-۹۳/۲/۱۳-۹۳-۹۹۷۰۲۲۴۲۰۰۱۴۶ شعبه ۴۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۷. رأی شعبه ۱۲۲۶/۲۲۲۳۰۱۲۲۶-۹۲/۹/۱۷-۹۲-۹۹۷۰۲۲۲۳۰۱۲۲۶ شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

صادر می‌گردد».^۱ «جرم ممانعت از حق از طریق قفل زدن به درب مشاعات ساختمان معرّض نیست؛ زیرا شکات سبق تصرف در ملک موضوع شکایت نداشته‌اند».^۲ «مورث شکات سبق تصرف در ملک مورد ادعا نداشته است و صرف خرید ملک به معنی سبق تصرف تلقی نمی‌گردد»^۳ (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۲: ۲۲۹). «در تصرف عدوانی موضوع ماده ۶۹۰، احراز سابقه تصرف شاکی و لحوق تصرف متهم ضروری می‌باشد»^۴ (همان: ۶۷۰).

برخی حقوق دانان در حمایت از عنصر سبق تصرف، این گونه استدلال می‌نمایند: تصرف عدوانی قطع نظر از مالکیت متصرف ممنوع است؛ به گونه‌ای که حتی مدعیان مالکیت اجازه ندارند خودسرانه و بدون توسل به مراجع قضایی، اقدام به خارج کردن ملک مورد ادعا از ید متصرف نمایند (مجموعه نشست‌های قضایی، ۱۳۸۲: ۴۷). هدف مقنن از وضع مقررات تصرف عدوانی، احترام به تصرف اشخاص است و نیازی به اثبات مالکیت ندارد (شمس، ۱۴۰۱: ۱۳۱/۱؛ رضایی، ۱۳۹۸: ۸۶). عبارت «متعلق به» در ماده ۶۹۰ به معنای عرفی تصرف است و فلسفه جرم‌انگاری در این مقرره، احترام به تصرف اشخاص و حمایت از آن و جلوگیری از اقدام مستقیم اشخاص در تصرف املاکی است که نسبت به آن‌ها ادعایی دارند (ملکی، ۱۳۹۶: ۲۴). از این رو، مفهوم و ارکان تصرف عدوانی موضوع ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات را باید حمل بر مفهوم و ارکان آن در دعوای تصرف عدوانی مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی نمود و از تبدیل دعوای تصرف عدوانی به دعوای مالکیت اجتناب کرد. اداره حقوقی دادگستری با اتخاذ این دیدگاه اعلام می‌نماید:

«دعوای تصرف عدوانی در ماده ۱۵۸ ق.آ.د.م. تعریف شده و دعوای رفع تصرف عدوانی موضوع قسمت اخیر ماده ۶۹۰ از حدود این تعریف خارج نیست. لذا با احراز سبق تصرف شاکی و لحوق تصرف عدوانی مشتکی عنه، صدور حکم به رفع تصرف و محکومیت متهم بلاشکال است و ضرورتاً نیاز به سند مالکیت ندارد».^۵

۱. رأی ۹۲/۴/۱۵-۰۳۰۶-۹۲ شعبه ۱۱۶۳ دادگاه عمومی جزایی تهران.
۲. رأی ۹۳/۱۲/۱۷-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۴۲۰۱۶۴۸ شعبه ۴۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۳. رأی ۹۲/۳/۵-۹۲۰۹۹۷۰۲۳۸۰۰۰۲۸۳ شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی رودهن.
۴. رأی ۹۲/۷/۳۰-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۹۳۰۰۷۸۰ شعبه ۲۹ دیوان عالی.
۵. نظریه ۱۳۹۱/۵/۷-۷/۸۹۲.

از جنبه اثباتی، برخی محاکم کیفری مالکیت شاکی را اماره سبق تصرف شمرده‌اند. برای نمونه در برخی آراء قضایی مقرر شده است:

«در بزه تصرف عدوانی، مالکیت شاکی به عنوان دلیل سبق تصرفات، بخشی از شرایط تحقق بزه است».^۱ «ارائه سند مالکیت، کاشف از سبق تصرف شاکی است».^۲ «با احراز مالکیت ملک نیازی به اثبات سبق تصرف نیست».^۳

شایان ذکر است که طبق ماده ۱۶۲ ق.آ.د.م. در دعاوی تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق، ابراز سند مالکیت دلیل بر سبق تصرف و استفاده از حق می‌باشد؛ مگر آنکه طرف دیگر، سبق تصرف و استفاده از حق خود را به طریق دیگر ثابت نماید (ابهری و اکبری، ۱۳۹۰: ۷۴). بنا به دیدگاه برخی محاکم، سبق تصرف شاکی منوط به تصرف فیزیکی دائمی نیست. برای نمونه دادگاهی مقرر نموده است:

«منظور قانون‌گذار از تصرف مالک، تصرف و حضور دائم فیزیکی نیست؛ بلکه در اختیار و سلطه بودن مالک است. اقرار متهم مبنی بر به تصرف خریدار ثالث قرار دادن ملک شاکی، به معنای تصرف اولیه آن است و به عبارتی، لازمه تصرف خریدار ثالث، تصرف اولیه و سلطه اولیه متهم است».^۴

در مقام داوری درباره اشتراط هر یک از عناصر مالکیت یا سبق تصرف در وقوع بزه تصرف عدوانی، به نظر می‌رسد وجود هر یک از عناصر مالکیت یا سبق تصرف شاکی برای تحقق این جرم کافی است. دلیل آن افزون بر اطلاق عبارت «متعلق به» در ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات، امتزاج نظریه‌های مختلف مطابق قاعده «الجمع مهمما أمکن اولی من الطرح» و حمایت متوازن از حق مالکیت خصوصی و نظم عمومی است. بدین ترتیب ممکن است شاکی بدون داشتن سابقه تصرف، مالک ملکی باشد که متهم تصرف نموده است. در این صورت می‌توان متهم را با احراز سایر شرایط به ویژه سوءنیت، به اتهام تصرف عدوانی مجرم شناخت. افزون بر آن، چنانچه شاکی بدون داشتن مالکیت،

۱. رأی ۹۳/۵/۱۲-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۰۶۷۱ شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
 ۲. رأی ۹۳/۴/۴-۹۳۰۹۹۷۰۲۷۰۲۰۴۳۶ شعبه ۵۷ دادگاه تجدیدنظر تهران.
 ۳. رأی ۹۲/۹/۲۶-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۰۹۵۰ شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
 ۴. رأی ۹۲/۱۲/۲۴-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۱۷۶۱ شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

سابقه تصرف در ملکی داشته باشد که متهم به نحو عدوان تصرف نموده است، در این حالت نیز با احراز سوء نیت متهم می‌توان قائل به وقوع جرم تصرف عدوانی شد. ممکن است این ایراد مطرح شود که اگر کسی تنها سابقه تصرف داشته باشد و مالک بدون توسل به مراجع قضایی، اقدام به تصرف ملک مزبور کند، در این صورت، متصرف و مالک همزمان بزهکار خواهند بود؛ متصرف به اعتبار تصرف ملک بدون اجازه مالک، و مالک به اعتبار نادیده گرفتن سابقه تصرف متصرف؛ امری که به هیچ وجه معقول نیست. راهکار برون‌رفت از این چالش، تفکیک بین تصرفات مأذون و غیر مأذون متصرف است: نخست، تصرف متصرف با اذن مالک یا مراجع قانونی ذی‌صلاح باشد و مالک بدون توسل به مراجع قضایی و خودسرانه اقدام به تصرف ملک خود نماید، که مرتکب بزه تصرف عدوانی است. دوم، تصرف متصرف بدون اذن مالک یا مراجع قانونی ذی‌صلاح باشد و مالک بدون توسل به مراجع قضایی و خودسرانه اقدام به تصرف ملک خود نماید، که در این حالت به اعتبار فقدان سوء نیت و عنصر عدوان در رفتار مالک، جرم تصرف عدوانی محقق نمی‌گردد و در مقابل، تنها رفتار متصرف با جمیع عناصر از جمله عنصر عدوان و سوء نیت می‌تواند واجد وصف جزایی تصرف عدوانی باشد.

۲-۱. عنصر مالکیت مفروز یا مشاعی

در رویه قضایی پیرامون اشتراط مالکیت مفروز یا مشاعی متهم در اموال موضوع بزه تصرف عدوانی، رویکرد واحدی اتخاذ نشده است. با تفکیک بین مالکیت مشترک و مالکیت مشاع در این باره بحث خواهد شد.

۱-۲-۱. مالکیت مشترک

مالکیت مشترک یا عمومی نسبت به اموالی مانند اراضی ملی و منابع طبیعی است که متعلق به ملت است و هیچ کس نمی‌تواند بدون مجوز دولت در آن تصرف کند. اموال مشترک می‌توانند موضوع جرم تصرف عدوانی باشند و از این جهت، محاکم اختلاف آراء ندارند. البته تعقیب کیفری مرتکب منوط به شکایت مالک (ارگان دولتی ذی‌ربط) است. برای نمونه در آراء قضایی مقرر شده است:

(با توجه به ملی بودن زمین مورد نزاع و با عنایت به ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات که اساس رکن قانونی جرم تصرف عدوانی را مالکیت شاکی مقرر داشته، در حالی که شاکی فاقد مالکیت می‌باشد).^۱ «متهم به اتهام تجاوز و تصرف عدوانی اراضی با شکایت اداره منابع طبیعی محل تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرد و دادگاه با احراز بزهکاری متهم، وی را محکوم می‌نماید». ^۲ «متهم به اتهام تصرف عدوانی اراضی ملی با شکایت اداره شاکی مورد تعقیب قرار گرفته و دادگاه وی را مستنداً به ماده ۶۹۰ محکوم می‌نماید». ^۳

۲-۲-۱. مالکیت مشاع

مالکیت مشاع، مالکیت دو یا چند نفر در مال به نحو اشاعه است. در توصیف مجرمانه تصرف در مال مشاع توسط احد از شرکا بدون اذن سایر مالکان و مجازات مرتکب وفق ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات، آراء محاکم متشتت است. برخی محاکم با این استدلال که متهم در جزء جزء ملک مورد تصرف دارای مالکیت است و تصرف در مال متعلق به غیر شمرده نمی‌شود، موضوع را فاقد وصف کیفری شمرده‌اند. برای نمونه در برخی آراء قضایی این گونه مقرر شده است:

«بزه تصرف عدوانی در مال مشاع توسط شریک، به لحاظ اینکه مالک مشاعی می‌تواند متصرف جزء جزء اموال مشاعی باشد و تصرفات مالکین مشاعی، عدوانی محسوب نمی‌شود، قابل تحقق نیست»^۴ (پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۲: ۶۵۲). «تصرفات متهم در ملک مزبور به جهت مشاعی بودن و بالاخص عدم احراز سوء نیت مجرمانه نیست». ^۵ «زمین متنازع‌فیه مشاع بوده و اصولاً هر کس در سهم خود متصرف می‌باشد. فلذا به کیفیت مطروحه، شکایت اعلامی فاقد وصف جزایی است»^۶ (همان: ۸۴۸). «مالک مشاعی می‌تواند در ملک مشاعی و به نحو اشاعه و بدون ضرر دیگری متصرف شود و با وصف موجود، دادگاه اتهام تصرف عدوانی را محرز نمی‌داند». ^۷ «حیاط موضوع

۱. رأی ۹۱/۱۲/۱۵-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۱۱۵۶ شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور.

۲. رأی ۹۰/۶/۲۹-۰۰۱۰۴ شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی تهران.

۳. رأی ۹۱/۲/۲۴-۰۰۰۱۵۶ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی رضوان شهر.

۴. رأی ۹۲/۷/۲۲-۹۲۰۹۹۷۲۲۱۸۷۰۰۷۷۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی لواسانات.

۵. رأی ۹۳/۱/۳۱-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۹۰۰۰۵۷ شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۶. رأی ۹۲/۱۲/۲۴-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۱۷۵۶ شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۷. رأی ۹۲/۵/۱-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۹۰۰۶۴ شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

شکایت، جزء مشاعات بوده و طرفین در تمام حصه‌های آن شریک می‌باشند. استفاده از قسمتی از آن توسط شرکا به نحوی که مانع تصرف سایرین نباشد، جرم نمی‌باشد»^۱ (همان: ۷۲۰). «متهم مالکیت مشاعی نسبت به بخشی از پلاک ثبتی دارد و مالکین مشاعی دیگری وجود دارند و محکوم نمودن تجدیدنظرخواه به کیفیت موصوف وجاهت ندارد».^۲ «ملک متنازع‌فیه مشاعی می‌باشد و در مال مشاعی، اشاعه مالکیت برای هر کدام از شرکا در جزء جزء آن وجود دارد و رأی وحدت رویه شماره ۱۰-۷/۲۱-۱۳۵۰ فقط ناظر به بزه تخریب در مال مشاعی، آن هم مشروط به احراز قصد می‌باشد و در مانحن‌فیه، سهم مفروزی نیز برای هیچ یک از شرکا تعریف و مشخص نشده، بنا به مراتب مذکور، بزه معنونه در اموال مصداق نداشته و موضوع پرونده، فاقد وصف کیفری و صرفاً جنبه مدنی دارد».^۳

در مقابل، برخی محاکم تصرف شریک در مال مشاع بدون اذن سایر مالکان را مصداق بزه تصرف عدوانی شمرده‌اند. برای نمونه در برخی آراء قضایی مقرر شده است:

«ارتکاب بزه تصرف عدوانی یا دعاوی ثلاث در مال مشاعی نیز قابل تحقق است و چنانچه مرتکب با سوء نیت، مانع از استفاده سایر شرکا در مال مشاعی شود که استفاده از آن به همه شرکاء تعلق دارد، جرم موضوع ماده ۶۹۰ می‌تواند محقق شود».^۴ «نصب کانال کولر بر روی دیوار مشترک، مصداق تصرف عدوانی است».^۵ «تصرف عدوانی در قسمت مشاعات بالای راه پله و خرپشته محرز است و متهمین با استناد به ماده ۶۹۰ محکوم می‌شوند»^۶ (همان: ۷۹۲). «بزه تصرف عدوانی در اموال مشاع نیز قابل تحقق است»^۷ (همان: ۵۴۲). «دعوی تصرف عدوانی کیفری در مشاعات قابل رسیدگی است».^۸ «جرم تصرف عدوانی در اموال مشاعی قابل تحقق است».^۹

۱. رأی ۱۳۷۷/۰۲۲۳۹۰/۹۹۷۰۹۹۷۰۲۱/۱۰/۹۲ شعبه ۱۰۵۰ دادگاه جزایی تهران.

۲. رأی ۹۱/۸/۳۰ شعبه ۵۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۳. رأی شماره ۹۱۳۷۰-۶۰/۳۰/۹۱ شعبه ۱۱۶۶ دادگاه عمومی جزایی تهران.

۴. رأی ۱۰۴۹۳/۰۲۷۰۱۰۰/۹۳-۹۳۰۹۹۷۰۱۵/۵/۹۳ شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۵. رأی ۰۳۱۰۲۲۲۱۰۰۳۱۰/۴-۹۳۰۹۹۷۰۱۳۹۳/۴ شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۶. رأی ۱۴۵۸/۰۲۲۱۴۰۹۹۷۰۹۲/۱۱/۷-۹۲ شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۷. رأی ۰۱۰۶۵/۰۲۲۲۰۰۱۰۶۵-۹۲/۸/۶-۹۲ شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۸. رأی ۰۰۸۲۷/۰۲۲۲۲۰۰۹۱۰۹۹۷۰۹۱/۷/۲-۹۱ شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۹. رأی ۹۱/۲/۳۱ شعبه ۱۱۵۲ دادگاه عمومی جزایی تهران.

«متهم با قفل نمودن درب شوفاژخانه که مشاعی می‌باشد، از ورود شاکی خودداری نموده و انتساب بزه محرز است».^۱ «تجدیدنظرخواه، مالک سه دانگ آموزشگاه بوده که با فوت مالک سه دانگ دیگر آن، مشتکی‌عنهم با تعویض قفل‌های ورودی آموزشگاه، مانع ورود تجدیدنظرخواه گردیده است و بزه انتسابی محرز است».^۲

در مقام داوری احوال به نظر می‌رسد چنانچه مرتکب در بیش از حصه خود متصرف شود و سوءنیت وی محرز باشد، مجرم و قابل مجازات است؛ چه آنکه در این وضعیت، علم اجمالی به نقض حق شریک وجود دارد. جرم‌انگاری صریح سرقت مال مشاع در ماده ۲۷۷ ق.م.ا. و تخریب مال مشاع وفق رأی وحدت رویه شماره ۱۰-۱۳۵۵/۷/۲۱ و ضرورت اتخاذ موضع واحد در کلیه جرائم علیه اموال، مؤید این قول است. افزون بر آن، چنانچه تصرف متهم، زائد بر حصه نباشد، اما نامتعارف و سبب خسارت عرفاً غیر قابل توجیه سایر شرکا شود، واجد وصف جزایی تصرف عدوانی خواهد بود؛ چه آنکه تصرف در بیش از حصه یا کمتر از حصه اما نامتعارف و زیانبار، مخالف قاعده لاضرر و منع استعمال حق به زیان دیگری است و وصف تحصیل نتیجه مجرمانه را که همانا ایراد ضرر به شریک است، مفروض می‌نماید.

۳-۱. عنصر عدوان در رفتار مستند به قرارداد یا اجرای حق

دعوی حقوقی تصرف عدوانی از دعاوی عینی است و علیه کسی که مال غیر منقولی را علی‌رغم سبق تصرف دیگری ولو با حسن نیت متصرف شود، قابل طرح است (طیرانیان، ۱۴۰۰: ۲۲۹). اما در عدوانی شناختن رفتار مرتکب به هنگامی که مستند به قرارداد یا اجرای حق است و قابلیت تعقیب کیفری آن به اتهام تصرف عدوانی، تردید وجود دارد.

۱-۳-۱. رفتار مستند به قرارداد

عدوانی بودن تصرفات لاحق متهم از شروط تحقق بزه تصرف عدوانی است. تصرف هنگامی عدوانی و با سوءنیت است که با آگاهی از تعلق مال به غیر و بدون

۱. رأی ۱۷۳۴/۰۱۲۲۲۰۹۹۷۰۹۲۰۲۶/۱۲/۹۲ شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۲. رأی ۱۱۸۹/۰۱۲۲۲۰۹۹۷۰۹۲۰۲۹/۸/۹۲ شعبه ۲۰ تجدیدنظر استان تهران.

اذن مالک یا متصرف قانونی باشد. اما در اینکه تصرف با منشأ قراردادی عدوانی است یا خیر، ابهام وجود دارد. برخی محاکم رأی به غیر عدوانی بودن آن داده‌اند:

«با وجود سابقه قرارداد مشارکت فی‌مابین شکات و متهم، به طور کلی تصرفات عدوانی نبوده و بنا بر قرارداد موصوف بوده است و رفع تصرف با این وضعیت، جنبه حقوقی دارد نه کیفری».^۱ «متهم از بدایت امر با اذن مالک وقت، متصرف محل مورد نزاع گردید و ادامه تصرف داده و با تغییر مالکیت ادعایی از مالک قبلی به شاکیه، کماکان تصرفات متهم ادامه تصرفات مأذونه می‌باشد. لذا شروع تصرف متهم، بزه تصرف عدوانی نیست».^۲ «چنانچه محکوم به جرم تجاوز به اراضی ملی مدعی است که زمین مورد اختلاف از طریق اصلاحات ارضی به ید ماقبل وی واگذار شده است و تجاوزی انجام نداده است و از این جهت به نظر اداره منابع طبیعی در ملی بودن زمین معترض است، می‌تواند به نظر اداره منابع طبیعی در کمیسیون ماده واحده تعیین تکلیف اراضی اختلافی کمیسیون ماده ۵۴ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع اعتراض نماید تا پس از صدور رأی به نفع متهم، قابل اعاده دادرسی گردد».^۳ «عدم تحویل مبیع از طرف فروشنده متصرف، خارج از مصادیق تصرف عدوانی است».^۴ «توافق شاکی با شهرداری مبنی بر اینکه در صورت عدم پرداخت هر یک از اقساط، مأموران شهرداری نسبت به تعطیلی محل تجاری یا اداری وی اقدام نمایند، به نظر نمی‌رسد مغایرتی با قواعد آمره داشته باشد؛ زیرا نسبت به مورد خاص و با فرض تحقق شرایط، مورد توافق طرفین است و حداقل در امر کیفری عنصر معنوی بزه ممانعت از حق را متزلزل می‌نماید».^۵

در مقابل، برخی محاکم تصرف مستند به توافق طرفین را مخالف قواعد آمره و

بی‌تأثیر در وصف مجرمانه و عدوانی بودن رفتار متهم شناخته‌اند:

«شاکی اظهار داشته مأموران شهرداری مبادرت به گذاشتن بلوک بتنی مقابل درب پارکینگ و محل کار وی نموده و درب محل کار وی را جوش داده‌اند. در مقابل، متهم به عنوان شهردار با ارائه تصویر اقرارنامه شاکی اظهار داشته شاکی به شهرداری

۱. رأی ۹۳/۲/۹-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۱۱۳ شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۲. رأی ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۱۰۱۶۷/۱۲/۲۰-۱۳۹۱ شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۳. رأی ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۱۱۳۳/۹۱/۱۲/۱۴-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۱۱۳۳ شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور.
۴. رأی ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۹۰۰۳۸۳/۹۱/۱۰/۹-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۹۰۰۳۸۳ شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور.
۵. رأی ۹۲/۸/۱۴-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۱۰۸۰ شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

بدهکار است و طبق بند سه اقرارنامه تعهد داده است که در صورت عدم پرداخت هریک از اقساط، شهرداری اختیار تام دارد تا نسبت به تعطیلی محل تجاری یا اداری یا صنعتی یا ممانعت از بهره‌برداری از واحد مسکونی و یا رفع اختلاف از طریق مأمورین خود اقدام نماید. لذا اقدام شهرداری مجاز بوده و هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه شهرداری نمی‌باشد. دادگاه با توجه به پذیرش متهم در قرار دادن بلوک توسط کارکنان شهرداری با آمریت وی و با عنایت به اینکه دفاعیات متهم مبنی بر اینکه شاکی به موجب اقرارنامه از خود سلب حق جزئی نموده است، فلذا رضایت به عمل ارتكابی داشته و این امر نشان‌دهنده فقد عنصر روانی جرم است، موجه نمی‌باشد؛ زیرا اولاً با توجه به نص مواد ۹۵۹ و ۹۶۰ قانون مدنی، سلب حق و حریت اشخاص به طور کلی یا جزئی در موارد مغایر با نظم عمومی و اخلاق حسنه، ممنوع و ناقض کرامت انسانی است که در بند ۶ اصل دوم و اصل بیست و دوم قانون اساسی از حقوق ملت در نظر گرفته شده است. ثانیاً موجب سوءاستفاده از نهادهای اجرایی و دولتی و وادار نمودن اشخاص به واگذاری حقوق و حریت خود می‌شود؛ امری که با توجه به فلسفه تشکیل دولت که صیانت از آزادی‌ها و حقوق بنیادین اشخاص است، نقض غرض محسوب می‌گردد. ثالثاً آگاهی، قصد یا نیت به عنوان عنصر جرم در مواردی که کارگزاران عمومی و مقامات اجرایی، مرتکب امری می‌شوند، از وضعیت عینی استنتاج می‌شود. رابعاً درج شرط مندرج در اقرارنامه مورد استناد متهم، وصف مجرمانه عمل را زائل نمی‌کند؛ زیرا شهرداری یا هر شخص حقوقی یا حقیقی دیگر نمی‌تواند برای امری که ضمانت اجرای کیفری یا حقوقی دارد، به صورت یک‌جانبه مبادرت به اعمال ضمانت اجرای خودساخته نماید. این امر مغایر با نظم عمومی، اصول حقوقی از جمله اصل ممنوعیت اشخاص در قضاوت برای خویشتن و همچنین نافی صلاحیت قوای مقننه و قضاییه است»^۱.

۱-۳-۲. رفتار مستند به اجرای حق

گاه متهم به منظور احقاق حق مانند اخذ طلب از مدیون، اقدام به تصرف اموال غیرمنقول بدهکار می‌کند. برخی محاکم انگیزه احقاق حق را مانع تحقق عدوان و سوءنیت مرتکب شناخته‌اند:

«متهم خودش را طلبکار و دارای حق می‌داند و رکن معنوی و سوءنیت برای ارتکاب

۱. رأی ۱۵۳۸-۱۰/۳۰-۹۱/۱۰/۳۰ شعبه ۱۰۴۶ دادگاه عمومی جزایی تهران.

جرم اثبات نمی‌گردد».^۱

در مقابل برخی محاکم، انگیزه احقاق حق را موجب زوال وصف عدوان از رفتار مرتکب نشناخته‌اند:

«صرف طلب داشتن از شریک، موجبات ممانعت از حق وی را مهیا نمی‌سازد و موضوع مطالبات و یا حقوق متصوره برای متعاملین از طریق دادخواست حقوقی قابل استیفا می‌باشد. نظر به مراتب فوق، به نظر این دادگاه، موضوع اتهام ممانعت از حق محرز است».^۲

در روابط استیجاری، گاه موجر به دلایلی از قبیل امتناع مستأجر از پرداخت اجاره‌بها یا تخلیه عین مستأجره پس از انقضای مدت اجاره، اقدام به قطع انشعاب آب، برق یا گاز مورد اجاره یا قفل زدن به درب ورودی آن می‌نماید. محاکم کیفری ایجاد مزاحمت یا ممانعت موجر برای مستأجر در استیفای حق خویش تا پیش از انقضای مدت اجاره را ولو به قصد مطالبه اجور معوقه باشد، مصداق عدوانی بودن رفتار و بزه مزاحمت و ممانعت از حق قلمداد نموده‌اند. اما آراء محاکم نسبت به عدوانی بودن انجام این قبیل رفتارها از جانب موجر پس از انقضای مدت اجاره و تخلیه مورد اجاره، خواه به اراده مستأجر یا به حکم مراجع قضایی مشتت است. برخی محاکم رفتار موجر را منوط به عدم انقضا یا تمدید مدت اجاره، عدوانی شمرده‌اند:

«رفتار موجری که در پایان مدت اجاره بدون طرح دعوی تخلیه، مبادرت به ممانعت از حق مستأجر از طریق قفل زدن به درب مغازه می‌نماید، در حالی که قرارداد را شفاهاً تمدید کرده است، مجرمانه می‌باشد».^۳

در مقابل، برخی محاکم انقضای مدت اجاره را مانع عدوانی بودن رفتار موجر تا پیش از اجرای حکم تخلیه از مراجع ذی‌صلاح قانونی نشناخته و حتی فراتر از آن، انقضای مدت اجاره را مانع حکم به رفع مزاحمت و ممانعت موجر ندانسته‌اند:

«شاکی نسبت به بخشی از دادنامه که دادگاه اعلام نموده رفع ممانعت از حق به دلیل

۱. رأی ۰۳۰-۱۵/۴/۹۲ شعبه ۱۱۶۳ دادگاه عمومی جزایی تهران.

۲. رأی ۰۸۶۰-۲۲۳۴۰۰۹۹۷۰۹۲۰۳۰/۶/۹۲ شعبه ۳۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۳. رأی ۰۲۰۶-۲۲۲۱۰۰۹۹۷۰۹۲۰۳۱/۲/۹۲ شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

انقضای مدت اجاره منتفی است، اعتراض داده است و مادامی که ملک در تصرف شاکی می‌باشد و تخلیه نشده، رفع ممانعت ضروری است»^۱.

در مقام داوری به نظر می‌رسد رفتار مستند به قرارداد یا اجرای حق اصولاً مانع تحقق عنصر عدوان در رفتار متهم نیست و بلکه ماهیتاً انگیزه شرافتمندانه است و می‌تواند از کیفیات مخففه مجازات شمرده شود. ضرورت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و دادخواهی در مراجع قضایی و اجتناب از رفتارهای خودسرانه و حفظ نظم عمومی، مؤید این دیدگاه است.

۲. آسیب‌شناسی نحوه کیفرگذاری

بررسی بازخورد اجتماعی نهادهای حقوق جزا به ویژه آثار اجرای مجازات‌ها، موضوع علم جامعه‌شناسی کیفری است. جامعه‌شناسی کیفری با ملاحظه اهداف و ملاک‌های تعیین مجازات و بررسی آثار و کارکرد کیفرهای قانونی، قضایی و اجرایی، سهم شایانی در شناخت کارآمدی یا ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در کنترل بزهکاری و اصلاح سیاست کیفری تقنینی و قضایی دارد (ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱-۱۳۹۲: ۱۶ به بعد). کیفرگذاری جرائم باید نظام‌مند و منطبق با اهداف و اصولی همچون تناسب جرم و مجازات و فردی کردن مجازات باشد. کیفرگذاری متوازن با مخاطرات و آثار زیانبار اجتماعی جرائم و جهات تشدید یا تخفیف مجازات، از وظایف پرچالش نظام کیفری شمرده می‌شود (حسنی و جلالی، ۱۴۰۰: ۱۰۳). در ایران، مقررات جزایی حاکم، زمینه را برای صرفاً قاضی‌محور بودن فرایند تعیین مجازات (به ویژه بر اساس قسمت اخیر ماده ۱۸ ق.م.ا. فراهم نموده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۳۱). اعطای اختیارات قضایی گسترده و بی‌ضابطه در تعیین میزان مجازات حبس مرتکبان تصرف عدوانی در محدوده حداقل و حداکثر مجازات قانونی و اعمال مجازات تکمیلی و نهادهای ارفاقی همچون معافیت از مجازات، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و کیفرهای جایگزین حبس از جهت اتفاقی شدن عدالت کیفری قابل نقد است. در مقابل،

۱. رأی ۰۵۵۵۰۲۲۲۱۰۰۹۹۷۰۹۲۰۹۲/۶/۱۳-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۰۵۵۵ شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

کیفرگزینی رهنمودمحور با ضابطه‌مند نمودن آزادی عمل قاضی و امکان نظارت قضایی بر آن، موجب افزایش شفافیت فرایند کیفردهی، ارتقای اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری، قطعیت مجازات و بازدارندگی آن می‌گردد. با توجه به نقش ویژه کیفرگذاری در پیشگیری کیفری از جرم، آسیب‌شناسی آن در تصرف عدوانی اجتناب‌ناپذیر است. این موضوع تحت سه عنوان کیفرگذاری نامتوازن، کیفرگذاری مبهم و مرور زمان کیفری بررسی می‌شود.

۱-۲. کیفرگذاری نامتوازن

تصرف عدوانی، حفظ ارزش‌های بنیادین همزیستی مسالمت‌آمیز، رفاه و نظم اجتماعی را دشوار می‌سازد. مجازات این جرم یک ماه تا یک سال حبس است. شدت و ضعف جرم تصرف عدوانی در اوضاع و احوال مختلف و ضرر و زیان حاصله، کیفرگذاری یگانه و یکسان آن را نامعقول و نامتوازن می‌نماید. الحاق تصرف عدوانی املاک خصوصی به فهرست جرائم قابل گذشت، وفق ماده ۱۱ قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ و کاهش مجازات آن به نصف و الزام قانونی به اعمال مجازات جایگزین حبس وفق ماده ۶۶ ق.م.ا.، چالش قطعیت و بازدارندگی مجازات آن را در پی دارد. حمایت از نظم عمومی، مبنای جرم‌انگاری و حاکمیت اصل گذشت‌ناپذیر بودن جرائم است. گذشت‌پذیری جرائم، امری استثنایی و محدود به جرائم خُرد است. افراط در گذشت‌پذیر ساختن جرائم و تعمیم آن به جرائم سنگین همچون تصرف عدوانی، در تعارض با جنبه عمومی این جرم و اهداف مجازات اعم از سزاگرایی یا غایت‌گرایی و حتی عدالت ترمیمی است. افزون بر آن، خصوصی‌سازی این جرم از طریق قابل گذشت‌شناسی آن، موجب چالش‌های دیگری همانند تضعیف پیام اخلاقی جرم، تبدیل جرم به یک کالای قابل معامله و فشار و مزاحمت طرفین پرونده برای یکدیگر است (رستمی، ۱۴۰۰: ۳۴۲). برای گذر از این چالش دست کم می‌توان قابل گذشت شمردن بزه تصرف عدوانی را صرفاً از موجبات کاهش قانونی مجازات یا اعمال سایر نهادهای ارفاقی همچون تعلیق مجازات شمرد و از این طریق، مانع از آن شد که بزه‌دیده با ترجیح منافع شخصی، منافع عمومی تعقیب دعوای عمومی را نادیده انگارد (روستائی و رحمانیان، ۱۴۰۰: ۱۶۴).

تلفیق و تأمین اهداف مجازات با توجه به اوضاع و احوال خاص هر پرونده با الهام از آموزه حسابگری کیفری کلاسیک با هدف بازدارندگی و ناتوان‌سازی، متضمن اتخاذ سیاست کیفری سرکوبگر و آموزه نئوکلاسیک یا عدالت استحقاقی مبتنی بر منصفانه، کرامت‌مدار و فردی بودن واکنش کیفری و پیوند میان اصول تناسب جرم و مجازات و فردی نمودن کیفرها، مقتضی پیش‌بینی طیف متنوع از مجازات‌های اصلی مالی، بدنی، سالب آزادی و حقوق اجتماعی، و پیش‌بینی کیفیات قانونی متنوع تخفیف و تشدید مجازات است. اتخاذ سیاست کیفرگذاری ترکیبی و مدرج، نقش بسزایی در بازدارندگی عام و خاص، شرمسارکنندگی، اصلاح‌پذیری و بازاجتماعی محکوم‌علیه خواهد داشت (حاجی‌ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۰۱؛ جوان‌جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۹؛ غلامی و جوادی حسین‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۵۱). از این رو بایسته است قانون‌گذار با پیش‌بینی مجازات مالی (جزای نقدی) به عنوان مجازات پایه برای این جرم و پیش‌بینی طیف متنوع کیفرها و کیفیات قانونی تشدید مجازات و اعطای اختیارات مقتضی به مقامات قضایی در اعمال تخفیف مجازات، زمینه اتخاذ سیاست کیفری سنجیده در حوزه کیفرگذاری این بزه را فراهم آورد. افتراقی‌سازی و مدرج نمودن کیفر ارتکاب این جرم نسبت به اموال خصوصی و عمومی و در اوضاع و احوال مختلف از قبیل تعدد مرتکبان، تعدد بزه‌دیدگان، نوع املاک مشتمل بر مسکونی، تجاری یا زراعی، ویژگی‌ها یا موقعیت فاعل جرم مشتمل بر ارتکاب جرم توسط کارکنان دولت حین انجام وظیفه یا به سبب آن، توسل به قهر و غلبه فیزیکی یا تهدید، سازمان‌یافتگی جرم، ارتکاب جرم در شب یا با حمل سلاح، مدت‌زمان استمرار رفتار مجرمانه، گام بلندی در جهت تحقق کیفرگذاری متوازن و کارآمد قلمداد می‌گردد. به‌علاوه، ماهیت مستمر این جرم، مقتضی اتخاذ مشوق‌هایی به منظور انصراف ارادی بزهکار از اقدام مجرمانه در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. از جمله این مشوق‌ها، معافیت از مجازات با پیش‌بینی مهلت انصراف از ادامه رفتار مجرمانه در کمتر از هفت شبانه‌روز در تصرف عدوانی و ۲۴ ساعت در مزاحمت و ممانعت از حق، پیش‌بینی انصراف ارادی از تداوم جرائم مزبور تا پیش از صدور کیفرخواست یا حکم دادگاه به‌عنوان یکی از کیفیات معاف‌کننده یا مخففه قانونی و الزام‌آور ساختن اعمال سایر نهادهای ارفاقی همانند تعلیق تعقیب و تعویق صدور حکم است.

۲-۲. کیفرگذاری مبهم

گاه جرمی، مقدمه ارتکاب بزه تصرف عدوانی است. تصرف عدوانی هدف غایی مرتکب است؛ اما برای نیل به آن، ناگزیر از انجام رفتاری است که مستقلاً واجد وصف مجرمانه است. این وابستگی موجب نام‌گذاری آن‌ها به جرائم مرتبط شده است. گاه جرمی منتج به نتیجه مجرمانه دیگری می‌شود؛ مانند تصرف عدوانی که منتج به مزاحمت یا ممانعت از حق می‌گردد. ابهام در نحوه کیفرگذاری جرائم مرتبط و تعدد نتایج تصرف عدوانی را می‌توان در این مقوله مورد بحث قرار داد.

۱-۲-۲. کیفرگذاری جرائم مرتبط

حقوق دانان و محاکم کیفری در نحوه مجازات جرائم مرتبط، دو رویکرد متفاوت اتخاذ کرده‌اند. واحدانگاری یا تعددانگاری معنوی، اولین رویکرد در این زمینه است. مطابق این رویکرد، وقتی جرمی مقدمه ضروری یا از لوازم عرفی جرم غایی است، مجموعاً جرم واحدی را تشکیل می‌دهند. این رویکرد را می‌توان در آراء برخی محاکم ملاحظه نمود:

«تخریب قفل به لحاظ اینکه عمل انتسابی، مقدمه اجرایی قصد مجرمانه و تصرف عدوانی است، جرم مستقلی محسوب نمی‌گردد». ^۱ «به جهت تلقی موضوع از باب تعدد معنوی جرم و مقدمه بودن تخریب قفل ورودی برای تصرف عدوانی، متهمان را به تحمل شش ماه حبس تعزیری درجه ۵ محکوم می‌نماید». ^۲ «تخریب درب و ورود به عنف، هرچند دارای عناوین مجرمانه مستقل می‌باشند، لکن مقدمه تصرف عدوانی‌اند؛ زیرا بدون تخریب و ورود به عنف به منزل، امکان تصرف وجود ندارد. لذا این دو مورد، مقدمه تصرف عدوانی می‌باشند و به تنهایی قابل مجازات نیست». ^۳ «تجدیدنظرخواه از جهت سرقت اموال منزل شاکی و تصرف عدوانی به مجازات مقرر محکوم گردیده است؛ اما جرم تصرف عدوانی تجدیدنظرخواه با توجه به اینکه توأم با سرقت بوده، جرم مستقل نمی‌باشد و تبرئه می‌گردد». ^۴ «مجموع اقدامات متهم

۱. رأی ۹۳/۲/۱۳-۹۳۰۹۹۷۲۱۸۵۶۰۰۰۶۷ شعبه ۱۰۰۶ دادگاه عمومی جزایی تهران.
۲. رأی ۹۳/۶/۳۰-۹۳۰۹۹۷۰۲۶۹۶۰۰۸۱۸ شعبه ۵۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۳. رأی ۹۲/۹/۲۳-۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۶۰۰۱۲۲ شعبه ۵۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۴. رأی ۹۲/۲/۲-۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۰۰۷۲ شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

از جمله تخریب دیوار و نصب درب و ممانعت از رفت و آمد شاکی، مقدمه و نتیجه تصرف عدوانی است و تخریب و ممانعت از حق در این زمینه، جرم علی‌حده محسوب نمی‌شوند.^۱ «تجدیدنظرخواه به اتهام آمریت در تصرف عدوانی و تخریب عمدی ملک مشاع موضوع شکایت مستنداً به مواد ۶۷۷ و ۶۹۰ قانون تعزیرات و مواد ۱۵۹ و ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی به سه سال حبس و در خصوص آمریت در تخریب عمدی به یک سال حبس و رفع تصرف عدوانی محکوم گردیده است. حال اینکه بزه تصرف عدوانی، مقدمه و لازمه بزه تخریب بوده و هم‌اکنون نیز ملک مورد ترافع در تصرف تجدیدنظرخواه نیست؛ لذا در این خصوص، بزه تصرف را نمی‌توان جرم مستقلی قلمداد نمود».^۲

دومین رویکرد، تعددانگاری مادی است. مطابق این رویکرد، جرم مقدمه مستقل از جرم غایی و مصداق تعدد مادی جرم است. برخی محاکم جرائم مرتبط را مصداق تعدد مادی شناخته‌اند:

«در خصوص اتهام آمریت متهم در تصرف عدوانی و تخریب عمدی ملک مشاع، دادگاه بزه انتسابی را محرز تشخیص، مستنداً به مواد ۶۷۷ و ۶۹۰ قانون تعزیرات و ۱۵۹ ق.م.ا. متهم موصوف را با رعایت ماده ۱۳۴ به سه سال حبس و در خصوص آمریت در تخریب عمدی به یک سال حبس محکوم می‌نماید و مجازات اشد قابل اجراست».^۳

در مقام داوری به نظر می‌رسد اصل احتیاط و پیوستگی عرفی بین جرائم مقدمه و غایی، مقتضی واحد یا متعدد معنوی شناختن آن است؛ به ویژه در مواردی که جرم مقدمه از عناصر جرم غایی یا کیفیات مشدده آن باشد.

۲-۲-۲. کیفرگذاری تعدد نتایج

تعدد نتایج مجرمانه تصرف عدوانی، موجب چالش چگونگی کیفر آن به ویژه تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. برخی محاکم آن را مصداق تعدد مادی و موجب تجمع مجازات‌ها شناخته‌اند:

۱. رأی ۹۳/۱۲/۴-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۵۰۱۵۷۷ شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۲. رأی ۹۳/۱۲/۱۱-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۱۶۱ شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۳. رأی ۹۳/۵/۲۷-۰۰۴۷۶ شعبه ۱۰۳۲ دادگاه عمومی جزایی تهران.

«در خصوص اتهام متهم دایر بر تصرف عدوانی و ممانعت از حق، وی را در ارتباط با تصرف عدوانی به تحمل ۵ ماه حبس تعزیری و رفع تصرف، و در ارتباط با ممانعت از حق به تحمل ۹۱ روز حبس و رفع ممانعت از حق محکوم می‌نماید».^۱

برخی محاکم نتایج مجرمانه تصرف عدوانی را مستقلاً واجد وصف کیفری شناخته یا دست کم مصداق تعدد معنوی و موجب مجازات واحد اشد قلمداد نموده‌اند:

«در خصوص اتهام متهم دایر بر تصرف عدوانی نسبت به مشاعات پلاک ثبتی، دادگاه با احراز بزهکاری وی، حکم به محکومیت صادر می‌نماید. در خصوص اتهام دیگر متهم دایر بر ممانعت از حق، با توجه به اینکه ممانعت از حق، نتیجه بزه تصرف عدوانی است، فعل مستقل مجرمانه تلقی نمی‌گردد».^۲ «هرچند دادگاه بدوی، تجدیدنظرخواه را بابت تصرف عدوانی و ممانعت از حق و از باب قاعده تعدی مادی محکوم می‌نماید، تعدد مادی نبوده و تعدد معنوی تلقی می‌گردد؛ چون اگر تصرف عدوانی و ایجاد مزاحمت و ممانعت از حق نسبت به یک ملک غیر منقول واقع شوند و نتیجه آن، ورود ضرر به مالک باشد، باید یک جرم فرض کرد».^۳ «ممانعت از حق، نتیجه بزه تصرف عدوانی است و فعل مستقل مجرمانه تلقی نمی‌گردد».^۴ «در مورد اتهام مزاحمت با توجه به مستتر بودن در تصرف عدوانی، دادگاه قرار منع تعقیب صادر و اعلام می‌نماید».^۵

در حال حاضر ق.م.ا. ۱۳۹۲ ضمن شناسایی صریح تعدد نتیجه به عنوان یک نوع مستقل از تعدد جرم در بند چ ماده ۱۳۴، حکم به مجازات اشد در جرائم تعزیری نموده است. بنابراین لازم است محاکم ضمن تعیین مجازات مستقل برای فعل و نتایج مجرمانه آن، حکم به اجرای مجازات اشد دهند و صدور حکم به مجازات تجمیعی یا برائت از نتایج مجرمانه و قابل مجازات نشناختن آن غیر قانونی است.

۱. رأی ۱۰۳۹۳/۴/۹۲/۴ شعبه ۱۱۷۱ دادگاه عمومی جزایی تهران.

۲. رأی ۱۰۳۴-۱/۸/۳۰/۹۰/۸ شعبه ۱۱۲۴ دادگاه عمومی جزایی تهران.

۳. رأی ۱۰۳۸۷-۱۳۳۹۰۲۲۳۹۰۹۹۷-۹۲/۱۰/۲۱-۹۲ شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۴. رأی ۱۰۳۴-۱/۸/۳۰/۹۰/۸ شعبه ۱۱۲۴ دادگاه عمومی جزایی تهران.

۵. رأی ۱۰۷۲۲-۹۳۰۷۲۲-۹۳/۶/۲۲ شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی لواسانات.

۳-۲. چالش مرور زمان کیفری

ماهیت مستمر جرم تصرف عدوانی، موجب ابهام در جریان مرور زمان کیفری اعم از مرور زمان شکایت، تعقیب و صدور حکم نسبت به آن شده است. وفق ماده ۱۰۴ ق.ا.م.ا، جرائم مندرج در ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات نسبت به املاک خصوصی قابل گذشت است. بنابراین مرور زمان شکایت کیفری مقرر در ماده ۱۰۶ ق.ا.م.ا تنها در تصرف عدوانی املاک خصوصی قابل طرح است. به علاوه، اطلاق قابل گذشت بودن جرم موضوع ماده ۶۹۳ قانون تعزیرات، شامل اراضی و املاک دولتی نمی‌شود.^۱ مبدأ مرور زمان شکایت کیفری، تاریخ اطلاع شاکی از وقوع جرم است. از این رو، ماهیت مستمر تصرف عدوانی، مانع مرور زمان شکایت نخواهد بود. برای نمونه در پرونده‌ای مقرر شد:

«دادگاه با ملاحظه ماده ۱۰۶ ق.ا.م.ا و اینکه از زمان وقوع بزه تصرف عدوانی، بیش از یک سال گذشته است، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌نماید».^۲

در مقابل، اداره حقوقی دادگستری معتقد است:

«سقوط حق شکایت کیفری مذکور در ماده ۱۰۶ ق.ا.م.ا، مربوط به جرائم آنی است و نه جرائم مستمر. بنابراین در جرایم مستمر نظیر ترک انفاق و تصرف عدوانی، مادام که مرتکب در حال ارتکاب عنصر مادی جرم است، حق تعقیب کیفری برای شاکی و متضرر از جرم کماکان باقی است و مشمول مرور زمان تعقیب شکایت به استناد ماده یادشده نخواهد شد».^۳

با توجه به مبدأ محاسبه مرور زمان تعقیب کیفری (تاریخ وقوع جرم) از یکسو و ماهیت مستمر تصرف عدوانی از سوی دیگر، برخی محاکم این بزه را مشمول مرور زمان تعقیب شناخته‌اند:

«با عنایت به زمان طرح شکایت و مطابق بند ۱۱ و ماده ۱۹ و بند ۱ از ماده ۱۰۵ ق.ا.م.ا و تصریح قانون‌گذار و احصاء موارد استثناء مشمول مرور زمان در ماده

۱. نظریه ۹۹/۴/۲۸-۷/۹۹/۶۴۰.

۲. رأی ۱۱۳۲/۲۲۴۲۰/۹۹۷۰۹۹۳/۱۱-۹۳/۱۳۹۳/۹ شعبه ۴۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۳. نظریه ۹۹/۴/۲-۷/۹۹/۲۸۰.

۱۰۹ و به جهت اینکه جرایم تعزیری درجه شش با انقضای مدت پنج سال مشمول مرور زمان می‌گردد، قرار موقوفی تعقیب مشتکی عنه صادر و اعلام می‌گردد».^۱

در مقابل، برخی محاکم مرور زمان را مانع تعقیب کیفری ندانسته‌اند: «تصرف طولانی مدتِ چهل ساله متهم در اراضی ملی، در مقابل سند مالکیت رسمی منابع طبیعی تاب مقاومت ندارد و مانع از تعقیب و محکومیت کیفری نیست».^۲

با توجه به مبدأ محاسبه مرور زمان صدور حکم (تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی) از یکسو و ماهیت مستمر تصرف عدوانی از سوی دیگر، برخی محاکم جریان مرور زمان صدور حکم نسبت به این بزه را پذیرفته‌اند:

«تصرف عدوانی از جرایم مستمر است و طبق رأی وحدت رویه، تا عدم قطع تصرف عدوانی مستمر است. طبق مدلول ماده ۱۰۵ ق.م.ا. در صورتی مورد، مشمول مرور زمان است که از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد که در قانون معین شده است، به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد؛ در صورتی که به حکایت محتویات پرونده، طرفین دعوی به موجب اظهاریه صادره مضبوط در پرونده برای روز ۱۳۸۹/۴/۳۱ دعوت به رسیدگی شده‌اند و متعاقباً نیز طرفین برای ۱۳۹۲/۳/۵ دعوت به رسیدگی شده‌اند و در روز تعیین شده هم دادگاه اقدام به تنظیم صورت مجلس نموده و از حاضرین در جلسه تحقیق و اظهارات آنان در صورت مجلس قید گردیده است و با این اوصاف، موضوع مشمول مرور زمان نمی‌گردد».^۳

از مفهوم مخالف این رأی، قابلیت تسری مرور زمان صدور حکم به جرم تصرف عدوانی استنباط می‌گردد.

نتیجه کلام آنکه با لحاظ مبدأ محاسبه انواع مرور زمان کیفری، ماهیت مستمر تصرف عدوانی، مانع جریان مرور زمان نسبت به این جرم نیست.

نتیجه‌گیری

اصل اباحه، جرم‌انگاری را به عنوان شدیدترین شکل مداخله در حق آزادی شهروندان،

۱. رأی ۰۳۴۱-۳۰/۴/۹۲ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی شهرستان قدس.
۲. رأی ۰۳۷۸-۱۵/۴/۹۲ شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی لواسانات.
۳. رأی ۰۷۹۹-۲۲۴۸۰۰/۶/۹۲ شعبه ۴۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

تابع اصولی از جمله اصل شفافیت قانون می‌نماید. توجه ناکافی به اصل مزبور موجب اجرای ناعادلانه قانون کیفری در پوشش تفاسیر قضایی گاه ناروا و کاهش قدرت اخلاقی آن است. آسیب‌شناسی تصرف عدوانی، نشان از برخی چالش‌ها دارد. تردید در ابتدای این بزه بر عنصر مالکیت یا سبق تصرف بزه‌دیده، ابهام در تحقق عنصر تعلق به غیر داشتن مال با وجود مالکیت مشاعی مرتکب، ابهام در تحقق عنصر عدوان در رفتار مستند به قرارداد یا اجرای حق، کیفرگذاری نامتوازن، مبهم و تردید در جریان مرور زمان کیفری، از آسیب‌های جدی این جرم شمرده می‌شوند. معاینه بالینی تصرف عدوانی و نضج نظریه‌ها و آراء قضایی متشتت از درون پیکره این جرم در وقایع کاملاً مشابه، نشان از ضرورت مراقبت ویژه و درمان در اتاق خرد جمعی دارد. پایبندی به اصول تفکیک قوا و کیفیت قانون، مقتضی بازنگری قانون‌گذار و جرم‌انگاری و کیفرگذاری شفاف و انسداد باب هر گونه سوء برداشت و اجرای تبعیض‌آمیز بزه تصرف عدوانی بر اساس یافته‌ها و راهکارهای ذیل است:

نخست: اطلاق عبارت «متعلق به» در ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات و حمایت متوازن از حق مالکیت خصوصی و نظم عمومی، مقتضی آن است که وجود هر یک از عناصر مالکیت (اعم از عادی، رسمی، اعیان و منافع) یا سبق تصرف شاکی برای تحقق این جرم، کافی شناخته شود. این نظریه موجب پیشگیری از اقدامات خودسرانه افراد و حمایت کارآمد از نظم عمومی است.

دوم: چنانچه مالک مشاع بدون اذن شرکا در بیش از حصه خود متصرف شود یا علی‌رغم تصرف به مقدار حصه، موجب خسارت نامتعارف یا مزاحم و مانع اعمال حق شریک شود، با احراز سوءنیت مجرم قابل مجازات است.

سوم: رفتار مستند به قرارداد یا اجرای حق، اصولاً مانع تحقق عنصر عدوان در رفتار متهم تصرف عدوانی نیست و بلکه ماهیتاً انگیزه شرافتمندانه است و می‌تواند از کیفیات مخفیه مجازات شمرده شود. اجتناب از رفتارهای خودسرانه و حفظ نظم عمومی، مؤید این دیدگاه است.

چهارم: شدت و ضعف وقوع جرم تصرف عدوانی در اوضاع و احوال مختلف و نتایج زیانبار متفاوت آن، مستلزم کیفرگذاری متوازن و کارآمد با پیش‌بینی طیف متنوع

از مجازات‌ها و کیفیات مخفیه و مشده است.

پنجم: اصل احتیاط و پیوستگی عرفی بین جرائم مقدمه و غایی، مقتضی واحد یا متعدد معنوی شناختن آن است؛ به ویژه در مواردی که جرم مقدمه از عناصر جرم غایی یا کیفیات مشده آن باشد.

ششم: مرور زمان شکایت کیفری تنها نسبت به جرائم مورد نظر در املاک خصوصی قابل جریان است. استمرار بزه تصرف عدوانی مانع از جریان مرور زمان کیفری شکایت، تعقیب و صدور حکم نیست و بلکه با توجه به مبادی متفاوت انواع مرور زمان کیفری، می‌تواند مشمول آن شود.

هفتم: معایب رسیدگی مستقیم دادگاه کیفری دو به پرونده‌های بزه تصرف عدوانی املاک خصوصی وفق ماده ۱۱ قانون کاهش حبس تعزیری و ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک. بیش از مزایای آن است و افزون بر آنکه سبب تداخل مراحل تحقیقات مقدماتی و محاکمه می‌شود، موجب تراکم پرونده‌ها در محاکم، اطاله دادرسی و افزایش نرخ اشتباهات قضایی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌شناسی

۱. «آراء قضایی محاکم کیفری و شعب دیوان عالی کشور»، قابل دسترس در وبگاه سامانه ملی آراء قضایی به نشانی <https://ara.jri.ac.ir>.
۲. ابهری، حمید، و مریم اکبری، «آیین دادرسی مربوط به دعاوی تصرف عدوانی»، *دوفصلنامه حقوق خصوصی*، سال هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.
۳. پژوهشگاه قوه قضاییه، *مجموعه آراء قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)*، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۲ ش.
۴. جوان جعفری، عبدالرضا، زهرا فرهادی آلاشتی، و سیدمحمدجواد ساداتی، «بازدارندگی و سنجش آن در فلسفه کیفری»، *دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال هفتم، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۵. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، و احسان سلیمی، «مبانی، اصول و سازوکارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدفمند»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال هشتم، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۹۸ ش.
۶. حبیب‌زاده، محمدجعفر، و کاظم کوهی اصفهانی، «بررسی و تحلیل ارکان جرم تصرف عدوانی در حقوق ایران»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (فصلنامه حقوق سابق)*، سال چهارم و دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱ ش.
۷. حسنی، محمدحسن، و علیرضا جلالی، «آسیب‌شناسی حمایت کیفری از حق آزادی شخصی در حقوق کیفری ماهوی ایران»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال بیست و هشتم، شماره ۱۰۷، پاییز ۱۴۰۰ ش.
۸. خدادادی، ابوالقاسم، «واکاوی جرائم سه‌گانه (تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق) در پرتو تفاسیر پراکنده محاکم دادگستری»، *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش.
۹. خلیل‌نژاد، احسان، *بررسی جرائم تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق در حقوق ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه دامغان، ۱۴۰۰ ش.
۱۰. رستمی، هادی، «گذشت‌پذیری جرائم در پرتو مبانی حقوق کیفری»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، سال پنجاه و یکم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ ش.
۱۱. رضایی، علی، «نقش مالکیت در تحقق تصرف عدوانی»، *فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی*، سال هشتم، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۸ ش.
۱۲. روستائی، مهرانگیز، و حامد رحمانیان، «مدنی‌سازی حقوق کیفری در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هشتاد و پنجم، شماره ۱۱۳، بهار ۱۴۰۰ ش.
۱۳. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی*، چاپ شصت و سوم، تهران، دراک، ۱۴۰۱ ش.
۱۴. طبرانیان، غلامرضا، *دعاوی تصرف*، چاپ پنجم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۴۰۰ ش.
۱۵. غلامی، حسین، حسین جوادی حسین‌آبادی، «جرم‌شناسی تلفیقی: روایت چالش‌ها، به‌گزینی راهکارها»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، سال شانزدهم، شماره ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.
۱۶. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، *مجموعه نشست‌های قضایی ۲*، قم، قضا، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. ملکی، مریم، *تحلیل نهادهای متناظر در قلمرو حقوق مدنی و کیفری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد، ۱۳۹۶ ش.
۱۸. مؤذن‌زادگان، حسنعلی، و حامد رهدارپور، «اصل شفافیت قانون» و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان

اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، سال بیست و سوم، شماره ۸۱، بهار ۱۳۹۷ ش.

۱۹. مهاجری، علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، تهران، فکرسازان، ۱۳۹۷ ش.
۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی کیفری، دوره دکتری، گردآوری و تصحیح سمیرا گل خندان و مجید صادق‌نژاد، دانشگاه تهران - پردیس قم، ۱۳۹۱-۱۳۹۲ ش.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و غلامحسین آماده، «واکاوی اختیار قاضی در تخفیف مجازات»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۵، تابستان ۱۳۹۰ ش.
۲۲. «نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه»، قابل دسترس در وبگاه اداره کل حقوقی قوه قضاییه به نشانی <<https://edarehoquqy.eadl.ir>>.
۲۳. نهرینی، فریدون، آیین دادرسی مدنی (جلد اول - بخش اول: مراجع قضایی و حدود صلاحیت آن)، چاپ سوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۴۰۰ ش.
۲۴. واحدی، قدرت‌الله، آیین دادرسی مدنی، کتاب اول، چاپ ششم، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش.

